

ترجمه مکالمات مجموعه آموزشی English Today

DVD 2

1. Where is the coffee machine?

پیتر : سلام آن!

آن : آو تویی پیتر! ببین، خودشه!

پیتر : چی رو ببینم؟

آن : دفتر کارم! اینجا، نزدیک رختخوابم...

پیتر : آو، متوجم... راستی، وسایل و تجهیزات¹ دفتر کجان؟

آن : وسایل کامپیوتر در اون قفسه هستن، اونجا. پوشه‌ها، مدادها و غیره² در این قفسه هستن. و دو صندلی هم

دارم!

پیتر : آو خوبه! اینا برا همه هستن؟

آن : نه، نیستن! لطفاً به هیچی دست نزن!



¹ Supplies

² Etc.

پیتر : بسیار خب. پس، تو گفتی تمام وسایل اداره رو داری؟

آن : راستش نه... دستگاه فکس نیست... تمام برنامه‌هایی که برا کامپیوتر نیاز هستن نیست...

پیتر : و من حدس میزنم یه منشی تلفنی^۱ داشته باشی. به درد می‌خوره؟ (مفیده؟)

آن : من به منشی تلفنی نیاز ندارم. تلفن خودم رو جواب می‌دم...

پیتر : بسیار خب حق با توهه! این دفتر کار خوبه، و اگر به یه دستگاه فکس نیاز داری من یکی تو آپارتمانم دارم.

آن : آو، ممنونم!

پیتر : یه لحظه وایسا، یه چیزی رو نیست... دستگاه قهوه کجاست؟ همه ادارات یه دستگاه قهوه دارن.

آن : من می‌ترسم یکی اینجا نیست. یک آشپزخانه برای پرسنل^۲ اون سمت خونه هست، در آشپزخانه! می‌تونیم

اونجا یکم قهوه بخوریم.

پیتر : فکر خوبییه!

¹ Answering machine

² staff

3. What do you do at the weekend?

آن : بله، من همیشه شنبه‌ها میرم خرید. اولین چیزی که شنبه انجام می‌دم رفتن به سوپرمارکت (با اتومبیل).

شارون : من بعضی وقتا شنبه‌ها خرید می‌رم، اما معمولاً تا دیر وقت خوابم. من همیشه شنبه‌ها خیلی خستم...

آلیس : من آخر هفته هیچ وقت خسته نیستم! آخر هفته وقت سرگرمی و شادیه! نقاشی می‌کشم، پیاده روی (از

نوع سریع) میرم، با بعضی دوستانم می‌زنم بیرون. متأسفانه، بعضی وقتا باید¹ درس بخونم...

آن : آه، من بعضی وقتا آخر هفته یکم کار می‌کنم... وقتی آزاد باشم شنا، نمایشگاه یا آگه به اندازه کافی پول داشته

باشم کنسرت میرم. آه، و هر شنبه (شنبه‌ها) من کل آپارتمان تمیز می‌کنم، و عصر TV میبینم.

شارون: اه، من هیچ وقت تلویزیون نگاه نمی‌کنم. خسته کنندس. من و پیتر دوست داریم آخر هفته بریم سینما.

پیتر : بله، بیش از حد تلویزیون نگاه کردن مهم نیست. در روز یک ساعت یا تو همون حدود کافیه.

آلیس : بیخیال بچه‌ها! شما مثل پدر بزرگم حرف می‌زنید! کار، TV، کار خونه در آخر هفته‌ها... زندگی بیشتر از

این حرفاست بابا!!!

جک : ازت می‌خوام من رو جایی ببری که توش جونا شادن!!

آلیس : عالیه! آماده باش پدر بزرگ!

¹ Have to

4. What time do you wake up?

جک : کار کردن خیلی سخته بچه‌ها... من هر روز ساعت شش و سی دقیقه بلند می‌شم، صبحونه می‌خورم و برای رفتن به سر کار قطار می‌گیرم – هر روز!

آن : میدونم (درکت می‌کنم). من ساعت هفت از رختخوابم بیرون میام، اما محل کار دوستی دارم که معمولاً ساعت شش از رخت خواب بیرون میادا!

(wake up لحظه است که بعد از خواب چشمانمون باز میکنیم و get up زمانیه که از رختخواب میایم بیرون)

جک : چرا؟ خیلی زوده!

آن : با ماشین یه ساعت طول میکشه تا به سر کار بیاد.

جک : واو، رانندگی طولانی.

آن : بله، اون بیرون شهر زندگی می‌کنه. فکر میکنم خوش شانسه: هر هفته می‌تونه برا قدم زنی به بیشه‌ها¹ (جنگل) بره ... بدون شلوغی ترافیک...

جک : به گمونم اقبال خوبیه: حاشیه شهر زندگی می‌کنه اما در شهر کار می‌کنه. یه ترکیب² زیبا.

آن : تو چی شارون؟ کی از خواب بلند میشی؟

شارون : من معمولاً حدود ساعت 9 از رختخواب میام بیرون، اما تو شهر زندگی می‌کنم. آسونه که به سر کار برم.

پیتر : بله، اما خیلی دیر به خونه بر می‌گردی: اغلب شش و سی دقیقه یا هفت.

¹ woods

² combination

شارون : میدونی که، من بعضی وقتا در روز پنج یا شش گروه توریستی دارم...

پیتر : تو خیلی کار می کنی عزیزم...

شارون : و تو خیلی آواز می خونی پیتر...

5. A typical day

جک : آلیس، شرط می‌بندم هر روز ساعت شش بلند نمیشی... درباره یه روز عادی در دانشگاه بهمون بگو.

آلیس : خب، من بعضی وقتا صبح کلاس دارم، اما معمولاً کلاسا بعد از ظهر هستن. صبح دوشنبه‌ها همیشه سخنرانی‌ها رو شرکت¹ می‌کنم.

جک : کجا درس می‌خونی؟

آلیس : معمولاً کتابخونه درس می‌خونم، اما بعضی وقتا خونه هم مطالعه می‌کنم، وقتی که صبح کلاس نداشته باشم.

پیتر : دوستم دیوید هم دانشگاه شما درس می‌خونه؟ اونو یادته؟

آلیس : دیوید لیری؟ گهگاه اونو تو کتابخونه می‌بینم و بعضی وقتا هم تو پارک.

پیتر : پارک؟ چیکار میکنه؟

آلیس : مایله اونجا درس بخونه. کتاباشو میگیره، یه نیمکت خوب تو پارک پیدا میکنه و همونجا می‌خونه.

پیتر : فکر بدی نیست. میتونی درس بخونی و در عین حال از طبیعت لذت ببری.

آلیس : بله. منم پارک دوست دارم. متأسفانه من اغلب کتابایی رو نیاز دارم که تو کتابخونه هستن.

جک : ناهار چی؟ معمولاً ساندویچ آماده میکنی و اونو با خودت میبری؟

آلیس : آو، من از پخت و پز متنفرم. من معمولاً ناهار رو تو کافه تریا با دوستام میخورم.

¹ attend

شارون : آو، درست برعکس من. من معمولاً ناهار خونه درست میکنم، بندرت در مغازه های کافه حاضری میخورم.

جک : بسیار خب بچه‌ها، این حرف زدن خسته کننده رو تموم کنیم! دربارہ سرگرمی چی داریم؟! هیچ کدوم از

شما کنار درس خوندن و کار کردن کار دیگه هم میکنه؟ جمعه‌س خیرسرمون!

آن : راست میگی جک، خوشحالم که جمعه‌س.

جک : منم! آخر هفته است.

آلیس : وقته خریده!

آلیس : واو! خیلی جالبه... تو سر کار باید خیلی خوب باشی. دقیقاً چیکار می کنی؟

جک : اساساً، دنبال مشتری های جدید می گردم و درباره خط تولیدهای جدید آگاهشون می کنم و درخواستشون تأمین^۱ می کنم.

آلیس : اونا چه نوع تقاضاهایی دارن؟

جک : اونا اغلب سوالاتی درباره مدل های جدید و قیمت می پرسن.

آلیس : اگه تخفیف بخوان چیکار می کنی؟

جک : خب، اساساً من آدم ناراحتی نیستم! من بهشون گوش میدم و بعد بهشون میگم "نه" ... خب اگه بخوام جدی بگم، بستگی داره ... هر مشتری متفاوته ... اگه اونا مهم باشن من سعی می کنم یه توافق و سازگاری باهاشون داشته باشم.

جک : سلام آن، سلام شارون. پیتر کجاس؟

شارون : پیتر داره برا آزمون موسیقی آماده میشه.

جک : خب، به پیتر بگو که من آرزوی موفقیت برایش می کنم!

شارون : واقعاً نگرانی؟ (به فکرشی؟)

¹ Take care of

7. Tell me about your job!

جک : آو دخترا ما داريم در باره شغلها صحبت مي کنيم. شارون درباره شغلته بهم بگو. الان چي کار مي کنی؟

شارون : سوال جالبه!

جک : واقعاً؟ براچي اينو ميگي؟

شارون : خب، ميدوني، من مدرک باستان شناسي دارم، اما دارم يه کار کاملاً متفاوت انجام ميدم.

جک : شغلته پاره وقته؟

شارون : نه متأسفانه تمام وقته. من برا يه آژانس مسافرتي کار مي کنم.

جک : آو ... چيکار مي کنی؟

شارون : تورهاي مسافرتي برا دور شهر مي گيرم. توريست ها رو برا ديدن آثار تاريخي و موزهها و ديگر مکاني

جالب مي برم.

جک : آو خوبه! ميتونم تو رو به عنوان راهنماي تور برا يک روز داشته باشم؟

شارون : متأسفم، من فقط با گروهها کار مي کنم. معمولاً با ژاپنيها.

جک : خب من تو کاراته کمر بند مشکي دارم...

شارون : خيلي بامزهس... ولي کافي نيست...

جک : خيلي بد شد... آن، برا يه لحظه هم شده تميز کردن ول کم. بشين و درباره شغلته بهم بگو.

آن : باشه باشه باشه. من تو يه شرکت انتشارات کار مي کنم.

جک : تو با نویسندگه‌های معروف کار می‌کنی!

آن : دقیقاً نه، من با نویسندگه‌ها کار نمی‌کنم، من فقط نوشته‌هاشون می‌خونم و قبل از چاپ اونارو تصحیح می‌کنم.

شارون : راستی پائول تیلور می‌شناسی؟ اون با تو کار می‌کنه درسته؟

آن : بله بله. اما ما تو یه بخش کار نمی‌کنیم. تو بخش تبلیغات کار می‌کنه. اما دوستای خوبی هستیم. هر هفته ما

باهم تنیس بازی می‌کنیم.

جک : تنیس بازی می‌کنی؟ حسودیم همیشه!

آن : توهم تنیس بازی می‌کنی؟ می‌خوای با ما بازی کنی؟

جک : خب فقط شوخی بود. من تنیس خوب بازی نمی‌کنم. فقط کاراته.

Television Programmes : Low cost airlines

اریک : عصربخیر اریک برآون رو پذیرا باشید. به برنامه دیگه از “بیاید صحبت کنیم” خوش آمدید. در استودیو به همراه من مری و تام هستن. سلام مری، سلام تام!

مری و تام : سلام اریک!

اریک : امروز صحبت کنیم درباره... درباره چی مری؟

مری : خطوط هوایی کم هزینه.

اریک : خیلی جالبه!

مری : درست میگی اریک! میدونی، 90 خط هوایی کم هزینه تو اروپا وجود داره...

اریک : واقعاً... خلیه!

تام : بله درسته، 90. خیلی از مردم با خطوط هوایی کم هزینه پرواز می کنند.

مری : البته! پرواز با این خطوط هوایی خیلی ارزونه.

تام : همیشه ارزون نیست مری، پرواز تو وسط هفته ارزونه یعنی سه شنبه، چهارشنبه یا پنجشنبه اما آخر هفته ها تو شنبه و یکشنبه ارزون نیست.

اریک : امم ... اما ... هواپیماها ایمن هستن؟

تام : بله، هواپیماها معمولاً نو هستن و در نتیجه امن هستن...

اریک : عالیہ! پرواز با هواپیماهای امن مهمه. درباره بلیط چی؟ پیدا کردنشون آسونه؟

مری : بله، خیلی آسونه. معمولاً بلیطهامو با کارت اعتباری خودم به صورت آنلاین میخرم. خب... من خیلی مسافرت میرم.

اریک : واقعاً؟ مری تو به کارشناس واقعی برا خطوط هواپیمایی کم هزینه هستی، نیستی؟

مری : بله، هستم... دوست پسرم برلین زندگی میکنه.

اریک : چند وقت به چند وقت اونو میبینی؟

مری : من در ماه دوبار به دیدنش میرم.

اریک : صحیح! صحیح... پروازها آن تایم هستن (سر موقع میرن)؟

مری : بله، معمولاً آن تایم هستن. من محل کار رو ساعت 5 و سی دقیقه بعد از ظهر ترک می‌کنم و در ساعت 6 به فرودگاه میرسم. درست برای زمان چک‌این¹ (محلی در فرودگاه برای نشان دادن پاسپورت و ...).

تام : مناسبه، مری خوش شانسی! معمولاً هواپیماهای با هزینه کم از فرودگاههایی که از شهر دور هستن محل رو ترک میکنن. پروازت چه زمانیه؟

مری : ساعت 7.

تام : تو واقعا خوش شانسی مری! معمولاً پروازهای با هزینه کم یا شب دیروقت یا صبح زود فرودگاه ترک می‌کنن، زمانی که مناسب نیست.

مری : بله درسته، و بله من خیلی خوش‌شانسم.

¹ Check in

اریک : تو هواپیما غذا هست؟

مری : بله، مسافرا نوشیدنی و اسنک (غذای مختصر و سریایی) میخرن.

تام : به یاد داشته باشید، نوشیدنی‌ها و اسنک رایگان نیستن، شما باید حتی برای یه لیوان آب مبلغی رو بپردازین!

مری : درسته! اما اهمیتی نداره! من ساعت هشت و سی دقیقه به برلین میرسم. درست موقع یه پیتزا با دوست

پسرم در “بلاناپولی”، یه پیتزا فروشی عالی. بهترین در برلین.

اریک : آووو! اما ... برای ما ... زمان خداحافظیه. بسیار خب... خطوط هواپیمایی کم هزینه. امروز در اروپا خطوط

هواپیمایی کم هزینه زیادی وجود داره. پرواز با اونا ارزونه. هواپیماها ایمن هستن و پروازها معمولاً آن تایم هستن.

خیلی جالبه، خیلی، خیلی جالبه! ممنون مری.

مری : ممنون.

اریک : و متشکرم تام.

تام : ممنون

اریک : و خدانگهدار. شمارو به زودی برای برنامه ویژه‌ای دیگه از “بیاید صحبت کنیم” می‌بینیم.

Sport: Football training

اریک : بعدازظهر همگی بخیر. به برنامه “ویژه ورزش” خوش اومدین، این برنامه به تمام ورزش‌ها و به تمام هواداران ورزش اختصاص داده شده. من اریک برآون هستم. در استودیو همراه من جام فوربز کارشناس ورزشی‌مون هست. خب جان ... این بعد از ظهر در رابطه با چی صحبت می‌کنی؟

جان : فوتبال.

اریک : عالی! ورزش مورد علاقه من.

جان : فوتبال تنها ورزش مورد علاقه تو نیست اریک! میلیون‌ها نفر عاشق فوتبالن!

اریک : البته! یه بازی فوق‌العاده، بهترین ورزش در جهان!

جان : خب ... شاید... اما یادت باشه اریک، فوتبال فقط شهرت، موفقیت و پول نیست.

اریک : آوو ... پول زیاد! فوتبالیست‌های حرفه‌ای میلیون‌ها یورو درآمد دارن.

جان : درسته اما فوتبال کار سخت هم داره... تقریباً هر روز تمرین آماده‌سازی جسمانی، حرکت کششی و دویدن رو انجام میدن!

اریک : واقعاً؟ چند وقت به چند وقت بازیکنان حرفه‌ای تمرین میکنند؟

جان : اونا هر روز ساعت 8 صبح میدون و در سالن تمرین¹ میکنند.

¹ Work out

اریک : او ... تمرین زیاده!

جان : و همش این نیست!

اریک : واقعاً؟ منظورت چیه؟

جان : خب، اونا همچین سه - چهار بار در هفته مهارت‌های فوتبال رو با تیم تمرین میکنن!

اریک : و ... کجا تمرین می‌کنن؟

جان : معمولاً تمرینات آمادگی بدنی رو در زمین فوتبال انجام میدن. اول حرکات کششی انجام میدن و بعدش تمرین شوت زنی دارن.

اریک : در خلال تمرین مربی به همراه تیمه؟

جان : بله حتماً! مربی برای تیم بسیار حائز اهمیتته. مربی تکنیک‌های خوب رو برای پاسکاری، دریبل‌زنی و سرزنی به بازیکنان نشون میده و تصمیم میگیره که در بازی چه کسی بازی کنه.

اریک : برا یک جام قهرمانی چند بازی هست؟

جان : 30 تا، کمتر یا بیشتر. میدونی که جام‌های قهرمانی در فوتبال در زمستان انجام میشه، معمولاً از سپتامبر تا ژوئن.

اریک : و اونا کی بازی میکنن؟

جان : آخر هفته‌ها، اما باشگاه‌های بزرگ در حین هفته نیز برای جام‌های اروپایی بازی میکنن.

اریک : جام‌های قهرمانی، جام‌های اروپایی، تمرین ... فوتبالیست‌ها خیلی مشغولن!

جان : بله همینطور! تنها زمان استراحت تابستونه.

اریک : خب... تعطیلات فقط در تابستان، خب درباره سرگرمی چی؟ برای مثال... بازیکن بعد از بازی میتونن

نوشیدنی¹ بخورن؟

جان : بله اریک... بخصوص اگه پیروز بشن! یه نوشیدنی یه راه عالی برای جشن گرفتن پیروزیه!

اریک : خب، روبه تمرین فوتبالیست‌ها خیلی سخته، اما براشون خیلی هم پاداش داره! بسیار خب، ممنون از

کارشناسمون جان فوربز! و خدانگهدار همه هواداران فوتبال و عاشقان ورزش! شمارو دوباره خیلی زود برای یه

برنامه جدید “ویژه ورزش” خواهیم دید!

¹ beer